

سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی بر اساس توانمندی‌های اقتصادی و جمعیتی (مطالعه موردی: دهستان سرپنیران - شهرستان پاسارگاد)

علی شکور^۱

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران

علی شمس‌الدینی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران

یوسف شفیعی

کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، یاسوج، ایران

نجمه طیبی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۱۴

چکیده

در ادبیات توسعه یک مکان جغرافیایی عوامل بسیار زیادی مؤثر می‌باشند که باعث ایجاد توسعه همه جانبه در آن مکان می‌گردند. لذا شناخت این عوامل و عناصر در قالب ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود و بالقوه هر منطقه می‌تواند صورت بگیرد تا بر اساس این شناخت، بتوان به یک سطح‌بندی و رتبه‌بندی از سکونتگاه‌های یک مجموعه سکونتگاهی دست پیدا کرد. که مطابق با آن سطح - با توجه به جایگاه فضایی و ویژگی‌های درونی و بیرونی خود - وظایف و کارکردهای معین و مشخصی را در چارچوب یک سلسله مراتب مکانی - فضایی عهده‌دار گردد. بر این مبنا بتواند خدمات ضروری برای رفع نیازهای خود و به تفاوت، امکان برآوردن نیازهای واحدهای پیرامونی خود را دریافت دارند. در این پژوهش این سطح‌بندی بر اساس توان اقتصادی، جمعیتی و با استفاده از شاخص‌های تعیین مرکزیت در روستاهای دهستان سرپنیران از توابع شهرستان پاسارگاد انجام گرفته است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در دهستان مورد مطالعه بترتیب روستاهای رکن‌آباد، نعیم‌آباد، گمبکان، مبارک‌آباد و مهر‌آباد، کته‌میان، کتوری، حسین‌آباد، احمد‌آباد و نهایتاً نجف‌آباد قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: سطح‌بندی، توان اقتصادی، توان جمعیتی، درجه مرکزیت، دهستان سرپنیران.

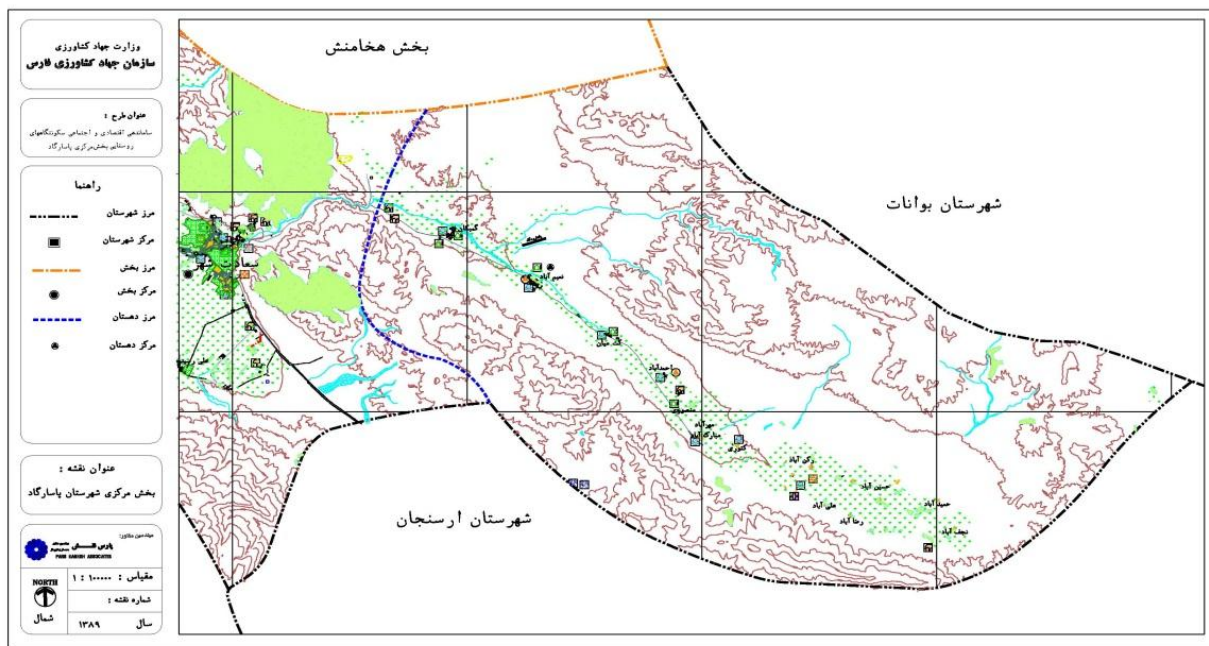
بیان مسأله

با توجه به اینکه هر پدیده مکانی با انسجام جغرافیایی، وابسته و تاثیرپذیر از نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد (شکویی، ۱۳۸۴، ۲۹۱) و با توجه به اینکه یکی از مشکلات اساسی توسعه فضایی و ناحیه‌ای، گسیختگی سازمان فضایی و عدم عدم سلسله مراتب مبتنی بر رابطه تعاملی میان سکونتگاه‌هاست. در همین راستا تعیین و تشکیل سلسله مراتبی از سکونتگاه‌ها که بتواند چارچوب موثری برای توزیع جمعیت، خدمات و کارکردها در سطوح مختلف باشد ضروری است. کوشش در راستای انتظام فضایی سکونتگاه‌ها اعم از شهری و روستایی می‌تواند زمینه ساز پیشبرد برنامه‌های توسعه در سطوح گوناگون به شمار آید. در این راستا از یکسو شناخت ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سکونتگاه‌های روستایی و از سوی دیگر تنظیم صحیح و بسامان نحوه ارائه خدمات مناسب به آن‌ها به منظور بهره‌گیری عقلایی از این قابلیت‌ها، از گام‌های اولیه و اساسی است که باید به نحوی متین و استوار برداشته شود. رده‌بندی سکونتگاه‌ها بویژه سکونتگاه‌های روستایی، معمولاً بر حسب ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی انجام می‌شود (سعیدی، ۱۳۸۸، ص ۱). در فرایند این مطالعه هدف نهایی در بررسی و تبیین سطوح توسعه‌یافتگی در زمینه‌های اقتصادی، جمعیتی و... در آبادی‌های دهستان سرپنیران (بخش مرکزی شهرستان پاسارگاد) دستیابی به چارچوبی کارآمد برای تفکیک نظام سکونتگاهی روستاها به سطوح مختلف که مطابق آن سطح - با توجه به جایگاه فضایی و ویژگی‌های درونی و بیرونی خود- وظایف و کارکردهای معین و مشخصی را در چارچوب یک سلسله مراتب مکانی - فضایی عهده‌دار گردد تا بر این مبنا هم از هدر رفتن نیروها و منابع محدود جلوگیری شود هم تا جای ممکن تمامی سطوح و در نهایت همه واحدهای کوچک و بزرگ روستایی بتوانند خدمات ضروری برای رفع نیازهای خود و به تفاوت، امکان برآوردن نیازهای واحدهای پیرامونی خود را دریافت دارند. بر اساس چنین چارچوبی، طبیعی است که هر یک از مراکز در سطوح مختلف نظام، با توجه به توانمندی و جایگاه خود دارای کارکردهایی باشد که از جهات مختلف با یکدیگر تفاوت داشته باشند. به این ترتیب بر اساس همین ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها در مطالعه حاضر، سطح‌بندی و تعیین سطح و میزان توسعه‌یافتگی آبادی‌های دهستان سرپنیران (بخش مرکزی شهرستان پاسارگاد) یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌باشد که با روش‌های متدهای لازم به این امر پرداخته شود. بخش مرکزی یکی از دو بخش شهرستان پاسارگاد به مرکزیت شهر سعادت شهر است. این بخش دارای دو دهستان کمین و سرپنیران می‌باشد که جمعاً دارای ۲۰ روستا است که، از این تعداد ۹ روستا در دهستان سرپنیران واقع شده‌اند که وضعیت جمعیت و رشد آن طی سال‌های ۸۵ - ۱۳۶۵ در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱- ویژگی‌های جمعیتی آبادی‌های دهستان سرپنیران

آبادی	نرخ رشد جمعیت			جمعیت	
	۶۵-۸۵	۷۵-۸۵	۶۵-۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵
حسین آباد	۱/۶	۱/۶	۱/۵	۱۴۴	۱۲۳
رکن آباد	۲/۲	۱/۸	۲/۸	۲۹۰	۲۴۴
کنه میان	۰/۰۷	-۲/۴	۲/۶	۱۳۱	۱۶۸
گمبکان	۱/۱	۰/۷	۱/۵	۴۷۰	۴۳۸
نعم آباد	-۰/۴	-۰/۹	-۰/۰۶	۵۹۱	۶۴۷
کتوری	-۰/۵	-۰/۵	-۰/۶	۱۰۳	۱۰۹
نجف آباد	۰/۲۸	۲/۷۹	-۲/۱	۵۴	۴۱
احمدآباد	-۱/۶۴	-۰/۲۷	۲/۷۹	۶۱	۶۴
مبارک آباد و مهرآباد مرکز	-۳/۹۱	۱/۵۳	۹/۰۷	۹۹	۸۵

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵-۱۳۶۵



نقشه ۱: موقعیت روستاهای مورد مطالعه در تقسیمات سیاسی شهرستان پاسارگاد

منبع: جهاد کشاورزی

مبانی نظری تحقیق

کشورها و مناطق مختلف جهان، متناسب با شرایط و اولویت‌ها، رویکردها و استراتژی‌های توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. قطعاً نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تجربیات جهانی در این زمینه و با تمرکز صرف بر اشتغال‌زایی در روستاها (بدون در نظر گرفتن استراتژی توسعه روستایی) توفیق چندانی بدست آورد (که پایدار و ماندگار نیز باشد). چون اشتغال‌زایی و کارآفرینی در فضایی مستعد رخ می‌دهد و بدون وجود آن فضا عملاً نمی‌توان متوقع موفقیتی پایدار بود. رویکردها و استراتژی‌های توسعه روستایی را اینگونه می‌توان تقسیم‌بندی نمود (استعلاجی، ۱۳۸۱).

الف. رویکردهای فیزیکی-کالبدی

زیرساخت‌های روستایی را می‌توان سرمایه‌های عمومی و اجتماعی روستاها دانست که بدین جهت توسعه این زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و نهادی باعث بهبود شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان خواهد شد. به عنوان مثال، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی همچون تسهیلات و خدمات بهداشتی و آموزشی، باعث بهبود کیفیت منابع انسانی و افزایش توانایی‌های آنان (در جایگاه‌های فردی و اجتماعی) خواهد شد. منظور از ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، صرفاً تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به یک جامعه با تولید سنتی نیست، بلکه هدف ایجاد سازوکارها، نهادها و مدیریت جدیدی است که در عمل نیازمند مشارکت وسیع روستاییان است. در واقع این استراتژی، با همکاری مردم می‌تواند به طور آگاهانه، ارادی و موفقیت‌آمیز از دوران طراحی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری گذر کرده و به شرایط مطلوب پایدار وارد گردد.

ب. رویکردهای اقتصادی

۱. استراتژی انقلاب سبز، ۲- استراتژی اصلاحات ارضی، ۳- استراتژی صنعتی نمودن روستاها، ۴- استراتژی رفع نیازهای اساسی ۵- رویکردهای اجتماعی-فرهنگی، ۶- استراتژی توسعه اجتماعی.

استراتژی توسعه اجتماعی محلی (جامعه‌ای)، اهداف توسعه اقتصادی-اجتماعی را توأمًا شامل می‌شود و نوید می‌دهد که هم پایه‌های نهادهای دموکراتیک را بنا نهد و هم در تامین رفاه مادی روستاییان مشارکت نماید.

۲. استراتژی مشارکت مردمی

از این دیدگاه، مردم هم وسیله توسعه هستند و هم هدف آن. طرح‌های توسعه روستایی چه به لحاظ ماهیت طرح‌ها و چه به خاطر محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند. در این استراتژی باید با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم را در فرآیند توسعه روستایی فراهم آورد.

۲. استراتژی توسعه روستا-شهری

از پایان دهه ۱۹۷۰، در واکنش به زوال الگوهای توسعه و پس از استراتژی «نیازهای پایه» سازمان جهانی کار (۱۹۷۶)، استراتژی توسعه روستا-شهری یا منظومه کشت-شهری (اگروپولیتن) مطرح گردید. برای درک بهتر این استراتژی باید الگوی «مرکز-پیرامون» و استراتژی نیازهای پایه را دانست.

۳. استراتژی یوفرد

این استراتژی برپایه نقش فعالیت‌ها و کارکردهای شهری در توسعه روستایی (و منطقه‌ای) تعریف می‌شود که شامل این مراحل می‌گردد: تجزیه و تحلیل منابع ناحیه‌ای، تدوین نقشه تحلیلی منطقه، تحلیل نظام سکونتگاهی، تحلیل ارتباطات فضایی، تحلیل دسترسی‌ها (ارتباطات)، تحلیل شکاف عملکردی، تنظیم استراتژی‌های توسعه فضایی، تعیین نارسایی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه، بازبینی و نهادینه‌سازی تحلیل‌های فضایی در برنامه‌ریزی روستایی و ناحیه‌ای.

۴. استراتژی توسعه زیست-ناحیه

۵. استراتژی توسعه یکپارچه ناحیه‌ای

۴. استراتژی نظام سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌ها و برنامه‌ریزی مراکز روستایی

بسیاری از کشورهای درحال توسعه فاقد الگوی استقرار هستند و ممکن است در سلسله‌مراتب سکونتگاهی، مراکز میانی و واسطه مجهز داشته باشند اما مراکز سطح پایین ندارند و یا اینکه مراکز کنونی، بخشی از نظام سلسله‌مراتب نقاط مرکزی (یکپارچه از نظر کارکردی) را تشکیل نمی‌دهند. نظام فضایی (پدید آمده) باید بگونه‌ای باشد که برای انتقال رشد اقتصادی و تامین خدمات و کالاهای کافی مناسب باشد. در فرآیند برنامه‌ریزی ناحیه‌ای توسعه، این استراتژی حد میانه تمرکزگرایی (مانند قطب رشد) و تمرکززدایی (همچون منظومه کشت-شهری) را برگزیده و تجمیع غیرمتمرکز و به عبارت بهتر، تمرکززدایی با تجمیع را پیشنهاد کرده است. در واقع این نظریه، راه‌حلی

اصلاح طلبانه برای کاستی‌ها و نارسایی‌های توسعه فضایی متدوال، که قطبی شده و باعث ایجاد اختلافات ناحیه‌ای شده است، می‌باشد.

«جانسون»، جمع‌بندی نظریه‌ها را در گرو سیاست‌گذاری فضایی برای دستیابی به توسعه می‌داند، اما کلید توسعه روستایی را در وجود شبکه‌ای از شهرهای کوچک (که واسطه ارتباط با شهرهای بزرگ می‌شوند) دیده است. در واقع دسترسی فضایی به فرصت‌ها و تولیدات را با ایجاد و تقویت این گونه شهرها پیشنهاد نموده است. «رندیلی» معتقد بود باید ایجاد شهرهای کوچک در پیوند با حوزه‌های روستایی، محور قرار گرفته تا تنوع‌بخشی به اقتصاد، صنعتی نمودن، عرضه پشتیبانی و تجاری‌سازی کشاورزی و امثالهم، و در نهایت سازماندهی و مدیریت توسعه به خوبی برآورده شود. برخلاف او که پرکردن خلا سلسله‌مراتبی را از بالا به پایین مدنظر قرار داده است، «میسرا» (پژوهشگر معروف هندی)، ساختن چنین فضایی را عمدتاً از پایین به بالا مدنظر قرار داده است (از کوچکترین نقطه روستایی ممکن).

در الگوی رشد مراکز روستایی (کمسیون پیرسون)، عمدتاً مراکز روستایی نقاطی هستند که باید برای جهت‌دهی مناسب به فرآیند توسعه، تسهیلات و امکانات قابل‌قبولی را در آنان متمرکز نمود. تمرکز این تسهیلات نیل به تخصص مناسب و موثر در زمینه خدمات و همچنین ایجاد تحرک کنترل‌شده توسعه را در پی خواهد داشت. هدف این الگو، فوریت‌بخشی و تقویت شبکه‌ای از نقاط مرکزی در نواحی روستایی و توزیع مناسب مراکز زیستگاهی (در بخش‌های پایین سطح و واسط میانی) است.

ضرورت و مفهوم ارزیابی مشارکتی روستایی

اغلب پژوهش‌ها و مطالعات اجتماعی و روستایی در زمینه کسب اطلاعات از روش‌هایی نظیر پرسشنامه و یا بازدیدهای سطحی استفاده می‌کنند و پس از جمع‌آوری از طریق نرم‌افزارهای رایانه‌ای به تحلیل آنها می‌پردازند. به دلیل عدم مشارکت روستاییان در طراحی پرسشنامه‌ها، این گونه پژوهش‌ها در برخی موارد منعکس‌کننده واقعیت‌های مردم روستایی نیستند، بنابراین ضرورت مشارکت مردم روستایی در جمع‌آوری اطلاعات بسیار آشکار می‌نماید. در سال‌های اخیر به دلیل منافع زیاد روش‌ها و رهیافت‌های مشارکتی، این رهیافت‌ها گسترش زیادی یافته‌اند. از جمله این روش‌ها، ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) است (بنکدار و هاشمی، ۱۳۸۴).

این روش در دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ بوسیله کارگزاران توسعه بین‌المللی با هدف تغییر رهیافت بالا به پایین ابداع شد. در واقع این شیوه، اغلب تسهیل‌گران را متحیر کرد و مردم محلی را که دریافتند می‌توانند کارهایی را انجام دهند که پیش از آن نمی‌دانستند، غافلگیر نمود. ضرورت PRA تغییرات و بازنگری در نقش، رفتار، روابط و یادگیری است. بیرونی‌ها غالب نیستند و سخنرانی نمی‌کنند، آن‌ها تسهیل می‌کنند، می‌نشینند، گوش می‌دهند و یاد می‌گیرند. بیرونی‌ها تکنولوژی را انتقال نمی‌دهند، آن‌ها در روش‌هایی که مردم محلی می‌توانند برای ارزیابی، تحلیل، برنامه‌ریزی، عمل، نظارت و ارزشیابی‌هایشان استفاده کنند، مشارکت می‌کنند. بیرونی‌ها واقعیت‌هایشان را تحمیل نمی‌کنند، آن‌ها مردم محلی را برای بیان موقعیت خودشان تشویق و توانمند می‌کنند (Chambers, 1997). بنابراین

ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) بر این اساس استوار است که مردم محلی خلاق و توانا بوده و می‌توانند در امور مربوط به خود کنکاش، تحلیل و برنامه‌ریزی کنند. در این فرایند مردم محلی به عنوان تحلیل‌گران مسایل در نظر گرفته می‌شوند. نقش پژوهشگران بیرونی در این فرایند تسهیل‌گری است. بنابراین ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) عنوانی است که به خانواده‌ای از روش‌ها و رهیافت‌های مشارکتی داده شده است که بر دانش محلی تأکید می‌کند. این روش از تمرین‌ها و تحرکات گروهی برای تسهیل کردن مبادله اطلاعات، تحلیل و کنش میان ذینفعان استفاده می‌کند. اگرچه این روش اساساً برای کاربرد در نواحی روستایی توسعه‌یافته است، اما از این روش به طور موفقیت‌آمیزی در انواعی از شرایط استفاده شده است. هدف از PRA توانا ساختن کارگزاران توسعه، کارکنان دولتی و مردم محلی به کار با یکدیگر به منظور برنامه‌ریزی برنامه‌های مناسب با زمینه و شرایط است (اسکونز و تامسون، ۱۳۸۳).

PRA حاصل مجموعه انتقال و گستردگی در ابعاد زیر است (Chambers, 1997):

در تأکید: از تمرکز بر روش‌ها به سمت تمرکز بر رفتارها و نگرش‌ها

در تأثیر: از روش‌های تغییر حرفه‌ای به سمت رفتار و نگرش‌های تغییر شخصی، از کاربردهای میدانی به سمت تغییر در فرهنگ‌ها و شیوه‌های سازمانی

در تمرکز: از ارزیابی به سمت تحلیل، برنامه‌ریزی، عمل، نظارت و ارزشیابی.

در موقعیت: از روستا به سمت در برگرفتن مناطق شهری

در تحلیل: از عمل به سمت تئوری، یافته‌های آنچه کار شده، و چرایی آن.

این روش بر اصولی مبتنی است که شامل: جریان دوطرفه یادگیری مردم محلی و تسهیل‌گران، شنیدن و گوش دادن به جای سخن گفتن، تعمق بر روی موضوعات به جای شتاب کردن، یادگیری نکات و ترجیحات مردم محلی، انعطاف‌پذیری، روحیه همکاری و کار جمعی (تعامل غیر رسمی و طوفان اندیشه).

مهم‌ترین فعالیت‌ها در حین انجام کار میدانی PRA عبارتند از:

روستاگردی: جهت آشنایی با مردم محلی و شناسایی و ملاقات با افراد کلیدی و کسب اطلاعات اولیه در منطقه مورد مطالعه و انتخاب محل‌های مناسب ضروری است. اهمیت این مرحله از آنجا ناشی می‌شود که ممکن است بر اساس بازدید میدانی کوتاه‌مدت، برخی از ابزارهایی که از پیش طراحی و انتخاب شده‌اند، تغییر نموده یا اصلاح گردند.

انتخاب گروه‌های بررسی: با توجه به اهداف و اطلاعات مورد نیاز، گروه‌های مناسب انتخاب می‌شوند.

جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از تکنیک‌های مختلف

جلسات گزارش‌دهی و جمع‌بندی روزانه

تحلیل و بررسی نتایج بدست آمده به اتفاق مردم محلی.

مزایا و معایب روش ارزیابی مشارکتی روستایی

ضرورت PRA شامل عمل و آنچه در عمل آشکار گردیده است که شامل سه اصل زیربنایی می‌باشد: رفتار و نگرش‌های بیرونی‌هایی که تسهیل می‌کنند نه اینکه غلبه دارند.

روش‌هایی که توازن نرمالی را از بسته به باز، از فردی به گروهی، از کلامی به دیداری، و از سنجش به مقایسه انتقال می‌دهند.

همکاری، شراکت و تسهیم در اطلاعات، تجربه و آموزش، میان درونی‌ها و بیرونی‌ها و میان سازمان‌ها (Chambers, 1997). بکارگیری این روش متضمن مزایایی است که عبارتند از: استفاده از روش‌های طوفان اندیشه و مصاحبه گروهی برای تبادل، کنترل و بررسی دایمی اطلاعات با استفاده از حافظه جمعی مردم محلی؛ توجه به گروه‌های حاشیه‌ای و اقلیت؛ عدم دخالت پیش‌فرض‌های محقق در کلیه مراحل تحقیق؛ مردم محلی نقش اصلی را در توصیف، تحلیل و طبقه‌بندی نیازها و نگرش‌ها، ترجیحات و ارزیابی‌ها از مسایل و پدیده‌های مورد بررسی دارند؛ توانمندسازی مردم محلی در کشف، تجزیه و تحلیل، بیان و یادگیری مسایل؛ آزادی مردم محلی در انتخاب قالب ارائه اطلاعات؛ تقویت روحیه مشارکت؛ فاصله زمانی کم بین فرایند جمع‌آوری اطلاعات و استخراج تحلیل داده‌ها؛ رابطه صمیمانه بین محقق و گروه مورد بررسی؛ کاهش هزینه‌های مطالعاتی؛ و تحقیق مشارکتی با نوعی توافق و تعهد جمعی نسبت به موضوعات همراه است (بنکدار و هاشمی، ۱۳۸۴؛ اسکونز و تامسون، ۱۳۸۳، Chambers, 1997).

در نوشتار حاضر متناسب با اهداف پژوهش از روش مشارکتی و استراتژی نظام سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌ها و برنامه‌ریزی مراکز روستایی استفاده گردیده است. که به آن پرداخته می‌شود.

در پی مسائل و مشکلاتی که در بخش مرکزی پاسارگاد از نظر اقتصادی - اجتماعی و بویژه مهاجرت پدید آمده است بررسی مسائل و مشکلات موجود در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است. از آنجاییکه از دیدگاه نظری، کار سطح‌بندی مراکز سکونت انسانی در واقع جزیی از بحث شناخت، تحلیل و اصلاح ساختار فضایی مناطق است (اجلالی، ۱۳۷۳، ص ۷) بعد از بررسی‌های ستادی و بازدیدهای میدانی متعدد و پر کردن پرسشنامه‌هایی که به منظور شناخت وضعیت اجتماعی، اقتصادی آبادی‌ها تنظیم شده بود آمار و اطلاعاتی به دست آمد که منجر به رتبه‌بندی آبادی‌ها بر اساس توان اقتصادی، دسترسی و پتانسیل جمعیتی گردید. چون معمولاً رتبه‌بندی آبادی‌ها به منظور اولویت‌بندی در خدمات رسانی صورت می‌گیرد به توزیع خدمات در وضع موجود آبادی‌ها پرداخته شد و مشخص گردید که آبادی‌های بخش به فراخور تعداد جمعیت دارای خدمات هستند یعنی در آن‌ها آب، برق، جاده، تلفن، مراکز آموزشی، بهداشتی و نظایر آن فراهم شده است و مشکلاتی که در آن‌ها وجود دارد بیشتر در نحوه مدیریت و ساختار فرهنگی آنان است. از آنجاییکه مشارکت دادن مردم در برنامه‌ریزی‌ها یکی از کلیدهای تازه کشف شده‌ای است که راهگشای موفقیت امور است و همچنین برای توسعه فعالیت‌های ضد فقر نیز ضرورت دارد (Little, D. 1990). طی ملاقات‌هایی که با مسئولین منطقه برگزار شد مقرر گردید که مسائل و مشکلات از طریق نمایندگان مردم (اعضای شوراها) و معتمدین محل به صورت حضوری مطرح گردیده و در همانجا جمع‌بندی شود. این

جلسات ابتدا به منظور مسایل کل بخش در مرکز بخش و با حضور کلیه اعضای شوراهای و معتمدین تشکیل و پس از دسته‌بندی آن‌ها از روش سریع (پیشنهاد چمبرز) به صورت ماتریس در آمده و نهایتاً مشکلات بخش اولویت‌بندی گردید. در گام بعدی این موضوع در مراکز دهستان‌ها و حضور نمایندگان شوراهای هرکدام از دهستان‌ها مطرح و مسائل و مشکلات دهستان‌ها نیز اولویت‌بندی شد، پس از آن از روش‌های اندازه‌گیری و سطح‌بندی روستاها مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج حاصله در ادامه پژوهش به آن اشاره گردیده است.

روش تحقیق

امروزه با پیشرفت روش‌های آماری و رایانه‌ای در مطالعات جغرافیایی، استفاده از شاخص‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون متداولترین معیار سطح‌بندی سکونتگاه‌ها می‌باشد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵، ۲۰۹). در فرایند سنجش سطوح توسعه و سطح‌بندی سکونتگاه‌ها باید مراحل طی شود که این مراحل شامل:

- تعیین هدف مطالعه و تدوین چارچوب آن

- تعیین سطح مطالعه

- شناخت نوع آمار قابل دسترس

- انتخاب شاخص‌های توسعه (کلانتری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰).

معرفی روش ارزیابی: روش‌های مختلفی برای ارزیابی و سطح‌بندی و تعیین درجه مرکزیت سکونتگاه‌های روستایی وجود دارد. یکی از این روش‌ها تعیین توان اقتصادی روستاهای مورد مطالعه است، تعیین و اولویت‌بندی روستاها بر اساس شاخص اقتصادی با در نظر گرفتن چند مولفه مهم مانند مقدار زمین کشاورزی، عملکرد محصول در هر هکتار و کیفیت زمین... در به دست می‌آید. مشخص نمودن توان جمعیتی هر مکان نیز در سطح‌بندی سلسله مراتب روستاهای یک منطقه به عنوان یک مولفه در نظر گرفته شده است. مطمئناً هر چه تعداد جمعیت در یک روستا بیشتر باشد پویایی و پیشرفت در آن روستا بهتر شکل می‌گیرد کما اینکه کیفیت نیروی انسانی مانند سطح سواد، مهارت و تخصص... نیز در توان جمعیتی یک روستا موثر می‌باشد. نحوه دسترسی به خدمات نیز به عنوان یک فاکتور در سطح‌بندی روستاها در نظر گرفته می‌شود این روش که بیان‌کننده تعداد جمعیتی است که از خدمات موجود در یک مرکزی می‌توانند استفاده کنند. مشخص نمودن تعداد خدمات و امکانات و برخورداری‌های موجود در یک روستا نیز به عنوان یک مولفه در تعیین سطح روستاها مورد توجه می‌باشد بگونه‌ای که هرچه میزان امکانات و برخورداری در یک روستا بیشتر باشد آن روستا خدمات بیشتری را به افراد بیشتری می‌رساند، در این بین نیز بعد مسافت و مرکزیت نیز در استفاده از خدمات موثر می‌باشند. به همین منظور در این مطالعه ابتدا با مدل اسکالوگرام گاتمن میزان برخورداری از خدمات و امکانات در روستاها بررسی و سلسله مراتب آن‌ها مشخص گردیده است و سپس و سپس از روش سنجش جاذبه بین روستاها میزان استفاده از این خدمات و مرکزیت این روستاها مشخص شده است. که به شرح این دو روش پرداخته می‌شود. در ادامه از یک روش دیگر برای تعیین مکان بهینه توسعه و

مرکزیت جهت انتخاب یک مرکز بهینه خدمات استفاده شده است. این روش، روش مجموع حداقل فواصل می‌باشد که توضیح آن فوق مراحل انجام آن اشاره می‌گردد.

اندازه‌گیری، سطح‌بندی و ارائه یافته‌های تحقیق

اصولاً سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی براساس قابلیت‌های اقتصادی و اجتماعی و... موازی با طرح آمایش سرزمین صورت می‌گیرد. طرح آمایش سرزمین فرضیه استراتژی توسعه روستایی محسوب می‌شود، بنابراین برنامه‌های توسعه باید بر پایه محرومیت زدایی و برقراری عدالت اجتماعی مورد نظر در ایدئولوژی اسلامی تدوین گردد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۷، ۲۷۴). بر همین اساس در پژوهش حاضر پس از بررسی‌های انجام گرفته جهت اندازه‌گیری و سطح‌بندی آبادی‌های محدوده مورد مطالعه با استفاده از روش‌ها و مدل‌های اندازه‌گیری و سطح‌بندی آن‌ها در حیطه‌های مختلف جمعیتی، اقتصادی، زیرساختی و... مانند مدل میزان سنج گاتمن جهت سنجش و تعیین سطح برخورداری هر آبادی و رتبه‌بندی آن‌ها بر این اساس و روش تعیین توان اقتصادی جهت تعیین وضعیت اقتصادی آبادی‌ها در سطح دهستان و تعیین و سطح‌بندی توان جمعیتی آبادی‌ها با استفاده از مدل تعیین توان جمعیتی و رتبه‌بندی آبادی‌ها بر این اساس، و از روش مجموع حداقل فاصله جهت تعیین میزان فاصله و مرکزیت هر آبادی نسبت به دیگر آبادی‌ها و تعیین سطح و رتبه‌بندی براساس این فاکتور به نتایج حاصله ذیل که در قالب جداول ارائه شده در ذیل توضیحات هر روش آمده است.

مدل اسکالوگرام گاتمن

جدول شماره ۲: تعداد سرویس خدماتی روستاهای دهستان سرپنیران

جمعیت روستا / سرویس	تسهیلات عمومی و خدماتی															جمعیت	سرویس / روستا		
	تجاری فنی تولیدی	تعمیرگاه	فروشگاه تعاونی	شرکت تعاونی	شعبه نفت	نانوا	دفتر مخارن	تلفن	برق	آب	جاده آسفالت	پزشک	دانشگاه	بیمارستان	مدرسه			دبیرستان	راه‌آهن
۱۴۴	-	-	-	-	-	-	+	+	-	-	-	-	+	-	-	-	-	+	حسین آباد
۲۹۰	-	+	+	+	-	+	+	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-	+	رکن آباد
۱۳۱	-	-	-	-	-	-	+	+	+	+	-	-	+	-	-	-	+	+	کنه میان
۴۷۰	-	+	+	-	-	-	+	+	+	+	-	-	+	-	-	-	+	+	گمبکان
۵۹۱	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	-	+	+	-	-	-	+	+	نعیم آباد
۱۰۳	-	-	-	-	-	-	+	+	+	+	-	-	-	-	-	-	-	+	کتوری
۵۴	-	-	-	-	-	-	+	+	-	-	-	-	-	-	-	-	-	+	نجف آباد
۶۱	-	-	-	-	-	-	+	+	+	+	-	+	+	-	-	-	-	+	احمدآباد
۹۹	-	-	-	-	-	-	+	+	+	+	-	-	-	-	-	-	-	+	مبارک و آباد مهرآباد

منبع: طرح ساماندهی اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستای بخش مرکزی شهرستان پاسارگاد، ۱۳۹۰

در این مدل برای تعیین حدود کارکردی نقاط روستایی یا حوزه نفوذ خدماتی مراکز روستایی استفاده می‌شود. این روش بر اساس حضور یا عدم حضور موسسات و یا نهادهای که خدمات اقتصادی اجتماعی یا رفاهی را تامین می‌کنند، به عنوان ضابطه‌ای برای تشکیل سلسله مراتب تعریف می‌شود (میسرا، ۱۳۵۳، ص ۲۷). طبق این روش هرچه سکونتگاه‌موسسا نهادهای خدماتی بیشتری داشته باشند، شعاع کارکردی بیشتر و مرکزیت بالاتری دارد. با اجرای این مدل هم سطح سکونتگاه‌ها و هم سطح خدمات مشخص می‌شود و به عبارت دیگر سطح بندی دوگانه از مکان‌ها و خدمات مشخص می‌شود که به کمک آن اولویت هر نقطه از نظر نیازهای خدماتی و نحوه توزیع خدمات نیز به دست می‌آید (جمعه پور، ۱۳۸۴، ۹۲). جدول شماره ۲ و ۳ به این مقوله اشاره دارد.

جدول شماره ۳: رتبه‌بندی سکونتگاه‌های روستایی دهستان سرپنیران به روش اسکالوگرام گاتمن

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
نجف آباد	حسین آباد	مبارک آباد و مهرآباد	کتوری	کنه میان	احمدآباد	گمبکان	رکن آباد	نعیم آباد

منبع: طرح ساماندهی اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستای بخش مرکزی شهرستان پاسارگاد، ۱۳۹۰

روش پتانسیل جمعیت و ضریب دسترسی مراکز

یکی از روش‌های شناخته شده تعیین مرکزیت مدل پتانسیل جمعیتی است که در آن عامل جمعیت و ضریب دسترسی نقش اساسی دارند. در این مدل یک فضای رقابتی بین مکان‌ها وجود دارد. در این روش روستایی به عنوان مرکز تهیه خدمات انتخاب خواهد شد که دارای کمترین میزان دسترسی مراکز به یکدیگر می‌باشد به عبارت دیگر بهترین موقعیت دسترسی را دارد. با توجه به اینکه ضریب دسترسی مکانی در تعیین توان اقتصادی یک مکان نقش اساسی دارد در این مدل نیز ضریب اقتصادی نیز مطرح می‌گردد. بدین صورت که پس از مشخص شدن که از تقسیم جمعیت یک مکان بر مقدار فواصل بین مکان‌ها بدست می‌آید در ضریب اقتصادی (k) ضرب می‌گردد و توان اقتصادی آن مکان بدست می‌آید. شایان ذکر است که بهترین شاخصی که می‌توان از آن به عنوان ضریب k استفاده نمود، میزان درآمد مردم هر کدام از روستاها می‌باشد (پورا احمد و سلطانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۸). پس از تکمیل پرسشنامه‌ها مشخص گردید که اهالی تمایل به اعلام درآمد واقعی خود را ندارند، بنابراین چون اقتصاد بخش کامفیروز عموماً براساس کشاورزی می‌باشد، اراضی زیر کشت هر کدام از روستاها به عنوان ضریب k مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به اینکه منبع اصلی درآمد اکثر اهالی از منابع کشاورزی می‌باشد می‌توان اذعان نمود که سطح اراضی زیر کشت شاخص مناسبی برای ضریب اقتصادی می‌باشد. ساختار کلی مدل به شرح زیر است:

$$D_j = \sum \frac{p_i}{d_{ij}}$$

$$D_i = \sum \frac{p_i}{p} \times \frac{p_i}{d_{ij}}$$

$$D_{ij} = \frac{p_i}{d_{ij}}$$

D_j=
پتانسیل جمعیتی نقطه
جمعیت نقطه
جمعیت کل منطقه
D_{ij} ز_i=
فاصله بین نقطه
k=ضریب اقتصادی

طراحی معیارها و شاخص‌های ارزیابی به تفکیک عرصه‌های اصلی مطالعه (اقتصادی، جمعیتی و...):

دسته‌بندی آبادی‌های دهستان سرپنیران جهت تعیین توان اقتصادی

برای دسته‌بندی کردن روستاهای دهستان سرپنیران، دهستان را به تفکیک آبادی‌های آن مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. در رابطه با شاخص اصلی اقتصادی همانطور که اشاره گردید مقدار اراضی کشاورزی به عنوان شاخص اصلی در نظر گرفته شده و سایر شاخص‌های اقتصادی نظیر درآمد و عملکرد مقدار محصول در هکتار و قیمت محصول به عنوان شاخص فرعی و تنها به صورت شاخص کمکی در نظر گرفته شده‌اند. پس از مشخص نمودن ضریب k جهت تعیین میزان توان اقتصادی هر آبادی این ضریب را در (حاصل تقسیم جمعیت یک آبادی به مجموع فواصل آن روستا با روستاهای دیگر در دهستان) ضرب می‌کنیم و جواب میزان توان اقتصادی آن روستا را در بین روستاهای دهستان نشان می‌دهد. هرچه عدد بدست آمده بزرگتر باشد، روستا از توان اقتصادی بالاتری برخوردار است. به این ترتیب رتبه‌بندی بر اساس عدد به دست آمده (توان اقتصادی) انجام می‌گیرد. در دهستان سرپنیران با توجه به روش‌ها و مدل‌های رتبه‌بندی در زمینه‌های اقتصادی، دسترسی‌ها، حداقل فاصله و توان جمعیتی روستاهای دهستان سرپنیران نتایج زیر بدست آمده است که به آن‌ها اشاره می‌گردد. بر این اساس از نظر توان جمعیتی بترتیب آبادی‌های نعیم‌آباد، گمبکان، رکن‌آباد، کته‌میان، حسین‌آباد، کتوری، مبارک‌آباد و مهرآباد، احمدآباد و نهایتاً نجف‌آباد قرار گرفته‌اند (نتیجه در جدول شماره ۶).

این رتبه‌بندی از نظر توان اقتصادی این گونه است که به ترتیب آبادی‌های گمبکان، رکن‌آباد، نعیم‌آباد، مبارک‌آباد و مهرآباد، حسین‌آباد، کتوری، کته‌میان، نجف‌آباد و نهایتاً احمدآباد قرار گرفته‌اند (نتیجه در جدول شماره ۶). با توجه به اینکه نحوه دسترسی بیان‌کننده تعداد جمعیتی است که از خدمات موجود در یک مکان مرکزی می‌توانند استفاده کنند از نظر دسترسی نیز این آبادی‌ها در دهستان سرپنیران براساس مدل گاتمن مورد بررسی قرار گرفته و در نتیجه آن به ترتیب آبادی‌های نعیم‌آباد، رکن‌آباد، گمبکان، احمدآباد، کته‌میان، کتوری، مبارک‌آباد و مهرآباد، حسین‌آباد و نهایتاً نجف‌آباد قرار دارند (جدول ۲ و ۳). وضعیت سطح‌بندی و رتبه‌بندی براساس روش حداقل فاصله نیز به ترتیب روستاهای مبارک‌آباد و مهرآباد، کتوری، احمدآباد، کته‌میان، رکن‌آباد، حسین‌آباد، نجف‌آباد، نعیم‌آباد و گمبکان قرار دارند (جدول شماره ۵). اساس رتبه‌بندی و تعیین سلسله مراتب وضعیت اقتصادی روستاها میزان درآمد مردم هر روستا است. با توجه به اینکه اهالی مایل به اظهار درآمد واقعی خود نیستند و با توجه به اینکه درآمد اهالی این روستاها مبتنی بر کشاورزی می‌باشد اراضی زیر کشت هر کدام از روستاها به عنوان ضریب k مورد استفاده قرار گرفته است می‌توان ابراز داشت که میزان سطح زیر کشت اراضی شاخص خوبی برای ضریب اقتصادی است. برای اطمینان بهتر از نتیجه تعیین وضعیت اقتصادی از فاکتورهای اصلی مانند مقدار اراضی کشاورزی و سطح زیر کشت هر محصول و عملکرد هر محصول در هر هکتار در نظر گرفته می‌شود (عمده کشت گندم و جو می‌باشد). در جدول ۴ به وضعیت میزان سطح زیر کشت و عملکرد هر محصول در هر هکتار در دهستان سرپنیران اشاره گردیده است.

روش مجموع حداقل فواصل

یکی از روش‌های برای تعیین مکان‌های بهینه توسعه و مرکزیت، استفاده از روش مجموع حداقل فواصل می‌باشد. در این روش با استفاده از فاصله هر روستا تا روستای دیگر به کیلومتر استفاده می‌شود. روش کار بدین صورت است که ماتریسی از روستاهای مورد مطالعه تهیه می‌گردد و فواصل روستاها نسبت به یکدیگر در این ماتریس وارد می‌گردد. در این روش عامل فاصله به عنوان یک عامل بازدارنده محسوب می‌شود و روستایی که از لحاظ مجموع کل فواصل کمترین مقدار را به دست آورد، دارای مرکزیت می‌باشد و از بقیه روستاهای منطقه برای کلیه روستاها قابل دسترس‌تر است (زیاری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۵). در جدول شماره این روش را برای روستاهای دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان پاسارگاد نشان داده است.

این جداول ماتریس فواصل بین روستاهای این منطقه را نشان داده است. جدول شماره ۵ مربوط به ماتریس روستاهای دهستان سرپنیران می‌باشد. با استفاده از این روش در دهستان سرپنیران وضعیت کمترین فاصله و مرکزیت به ترتیب مربوط به روستاهای مبارک‌آباد و مهرآباد، کتوری، احمدآباد، کته‌میان، رکن‌آباد، حسین‌آباد، نجف-آباد، نعیم‌آباد و گمبکان قرار گرفته‌اند. جدول شماره ۵ مربوط به ماتریس حداقل فواصل دهستان کمین می‌باشد که در این ماتریس نیز پس از بررسی و تعیین مسافت بین روستاهای این دهستان حداقل فاصله و مرکز بهینه جهت دسترسی دیگر آبادی‌های این دهستان به ترتیب اولویت مربوط به روستاهای وکیل‌آباد، همت‌آباد، دولت‌آباد، اسلام-آباد، قائم‌آباد، ابوالمهدی، قوام‌آباد، رحمت‌آباد، حسن‌آباد، علی‌رسیده و نهایتاً اکبرآباد می‌گردد.

جدول شماره ۴: آبادی‌های دهستان سرپنیران از لحاظ جمعیت و سطح زیرکشت محصولات کشاورزی

نام روستا	جمعیت	سطح زیرکشت به هکتار	گندم و جو آبی	گندم و جو دیم
حسین آباد	۱۴۴	۶۱۹٫۵۱	۲۳۴٫۵	۵
رکن آباد	۲۹۰	۴۰۲٫۸۹	۳۲٫۲	۴٫۵
کته میان	۱۳۱	۲۷۶٫۹۰	۳۵٫۲	۴٫۵
گمبکان	۴۷۰	۷۳۹٫۳۲	۶۹۴٫۲	۴
نعیم آباد	۵۹۱	۳۱۹٫۴۶	۳۱۹٫۴۵	۴٫۵
کتوری	۱۰۳	۳۷۱٫۵۷	۲۵٫۱	۴
نجف آباد	۵۴	۲۹۶٫۸۷	۸۰٫۴۵	۴٫۵
احمدآباد	۶۱	۱۰۳٫۵۹	۱۲٫۳	۴
مبارک آباد و مهرآباد	۹۹	۶۱۲٫۴۶	۳۴۰	۴٫۵

منبع: جهاد کشاورزی شهرستان پاسارگاد

جدول شماره ۵: فواصل بین آبادی‌های دهستان سرپنیران

روستا نام	جمعیت	حسین آباد	رکن آباد	کته میان	گمبکان	نعیم آباد	کتوری	نجف آباد	احمدآباد	مبارک آباد و مهرآباد	مجموع فاصله
حسین آباد	۱۴۴	۰	۴٫۵	۱۵	۲۳	۱۸٫۵	۷٫۲	۴٫۵	۱۲٫۵	۹٫۲	۹۴٫۴
رکن آباد	۲۹۰	۴٫۵	۰	۱۰٫۵	۱۸٫۵	۱۴	۲٫۷	۹	۸	۴٫۷	۷۱٫۹
کته میان	۱۳۱	۱۵	۱٫۵	۰	۸	۳٫۵	۸	۱۵	۲٫۵	۵٫۸	۵۹٫۳
گمبکان	۴۷۰	۲۳	۱۸٫۵	۰	۴٫۵	۰	۱۶	۲۷٫۵	۱۰٫۵	۱۴	۱۲۲
نعیم آباد	۵۹۱	۱۸٫۵	۱۴	۳٫۵	۴٫۵	۰	۱۱٫۵	۲۳	۶	۹٫۳	۹۰٫۳
کتوری	۱۰۳	۷٫۲	۲٫۷	۸	۱۶	۱۱٫۵	۰	۱۱٫۷	۵٫۳	۲	۶۴٫۴
نجف آباد	۵۴	۴٫۵	۹	۱۵	۲۷٫۵	۲۳	۱۱٫۷	۰	۱۷	۱۳٫۷	۱۲۱٫۴
احمدآباد	۶۱	۱۲٫۵	۸	۲٫۵	۱۰٫۵	۶	۵٫۳	۱۷	۰	۳٫۳	۶۵٫۱
مبارک آباد و مهرآباد	۹۹	۹٫۲	۴٫۷	۵٫۸	۱۴	۹٫۳	۲	۱۳٫۷	۳٫۳	۰	۶۲

منبع: طرح ساماندهی اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستای بخش مرکزی شهرستان پاسارگاد، ۱۳۹۰

نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات اساسی توسعه فضایی و ناحیه‌ای، گسیختگی سازمان فضایی و عدم سلسله مراتب مبتنی بر رابطه تعاملی میان سکونتگاه‌هاست. در همین راستا تعیین و تشکیل سلسله مراتبی از سکونتگاه‌ها که بتواند چارچوب موثری برای توزیع جمعیت، فعالیت‌ها، خدمات و کارکردها در سطوح مختلف باشد، ضروری است. بنابراین به کارگیری معیارها و روش‌های کمی جهت سطح‌بندی سکونتگاه‌ها در سیستم فضایی مناطق، نه تنها موجب شناخت تفاوت میان یکی از مشکلات اساسی توسعه فضایی و ناحیه‌ای، گسیختگی سازمان فضایی و عدم سلسله مراتب مبتنی بر رابطه تعاملی میان سکونتگاه‌هاست. در همین راستا تعیین و تشکیل سلسله مراتبی از سکونتگاه‌ها که بتواند چارچوب موثری برای توزیع جمعیت، فعالیت‌ها، خدمات و کارکردها در سطوح مختلف باشد، ضروری است. بنابراین به کارگیری معیارها و روش‌های کمی جهت سطح‌بندی سکونتگاه‌ها در سیستم فضایی مناطق، نه تنها موجب شناخت تفاوت میان سکونتگاه‌ها می‌گردد، بلکه این سطح‌بندی معیاری برای تعیین مرکزیت، همچنین تعیین انواع خدمات مورد نیاز و تعدیل نابرابری بین سکونتگاه‌ها است.

پس از بررسی‌های به عمل آمده طی مراحل انجام گرفته جهت اولویت‌بندی و ارزیابی آبادی‌های محدوده مورد مطالعه در قالب ۹ روستای دهستان سرپنیران با استفاده از روش‌ها و مدل‌های علمی مانند سنجش توان اقتصادی، توان جمعیتی، روش حداقل فاصله و روش میزان سنج‌گاتمن با هدف تعیین جایگاه هر آبادی در پهنه مکانی منطقه به نتایج قابل قبولی منتج گردیده است. که شرح آن در قالب جداولی که در قبل به آن‌ها اشاره گردید و وضعیت هرکدام از این موارد به تفکیک آبادی‌های این دهستان آمده است. نتایج بدست آمده از این بررسی نشان می‌دهد که در دهستان سرپنیران در مجموع تمام رتبه‌بندی‌ها (که بر اساس رتبه‌های کسب شده هر روستا در موارد ذکر شده بالا کسب نموده‌اند)، برتیب روستاهای رکن‌آباد، نعیم‌آباد، گمبکان، مبارک‌آباد و مهرآباد، کته‌میان، کتوری، حسین‌آباد، احمدآباد و نهایتاً آبادی نجف‌آباد قرار گرفته‌اند (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: رتبه‌بندی نهایی روستاهای دهستان سرپنیران

دهستان سرپنیران	تعداد جمعیت	$\sum \frac{P_i}{d_{ij}}$	مجموع فاصله‌ها	$\frac{P_i}{P}$	توان جمعیتی	شرب K	توان اقتصادی	رتبه‌بندی- توان جمعیتی	رتبه‌بندی- مدل کاتمن	رتبه‌بندی- روش حداقل فاصله	رتبه‌بندی- توان اقتصادی	مجموع رتبه- بندیها
حسین آباد	۱۴۴	۰.۱۳۴۸	۹۴.۴	۷.۴۱۱۲۲	۰.۹۹۹۱۵۷۱۳۵	۶۱۹.۵۱	۸۳.۵۲۰۳۷۳	رتبه‌بندی- نمیم آباد	رتبه‌بندی- نمیم آباد	رتبه‌بندی- مبارک- آبادومهرآباد	رتبه‌بندی- گمبکان	رکن‌آباد
رکن آباد	۲۹۰	۰.۳۶۰	۷۱.۹	۱۴.۹۲۵۴	۵.۴۶۲۲۱۲۱۰۱	۴۰۲.۸۹	۱۴۷.۴۷۱۹۳	رتبه‌بندی- گمبکان	رتبه‌بندی- رکن آباد	رتبه‌بندی- کتوری	رتبه‌بندی- رکن آباد	نعیم‌آباد
کته میان	۱۳۱	۰.۱۷۵۱	۶۸.۳	۶.۷۴۲۱۵	۱.۱۸۰۶۰۲۱۷۴	۲۷۶.۹۰	۴۸.۴۸۷۳۰۴	رتبه‌بندی- رکن آباد	رتبه‌بندی- گمبکان	رتبه‌بندی- احمدآباد	رتبه‌بندی- نعیم آباد	گمبکان
گمبکان	۴۷۰	۰.۳۳۸	۱۲۲	۲۴.۱۸۹۴	۸.۰۷۵۲۴۰۴۱۱	۷۳۹.۳۲	۲۴۶.۸۱۰۰۶	رتبه‌بندی- کته میان	رتبه‌بندی- احمدآباد	رتبه‌بندی- کته میان	رتبه‌بندی- مبارک‌آباد و مهرآباد	مبارک- آبادومهرآباد
نعیم آباد	۵۹۱	۰.۴۶۱۵	۱۲۱.۸	۳۰.۴۱۶۹	۱۴.۰۳۷۸۲۵۴۲	۳۱۹.۴۶	۱۴۷.۴۳۵۴۶	رتبه‌بندی- حسین آباد	رتبه‌بندی- کته میان	رتبه‌بندی- رکن آباد	رتبه‌بندی- حسین آباد	کته‌میان
کتوری	۱۰۳	۰.۱۶۰۵	۶۴.۴	۵.۳۰۱۰۸	۰.۸۵۰۶۱۱۹۹	۳۷۱.۵۷	۵۹.۶۲۲۱۲۲	رتبه‌بندی- کتوری	رتبه‌بندی- کتوری	رتبه‌بندی- حسین آباد	رتبه‌بندی- کتوری	کتوری
نجف آباد	۵۴	۰.۰۳۶۶	۱۲۱.۴	۲.۷۷۹۲۱	۰.۱۰۴۶۲۳۰۵	۲۹۶.۸۷	۱۱.۱۷۵۶۴۸	رتبه‌بندی- مبارک‌آباد و مهرآباد	رتبه‌بندی- مبارک‌آباد و مهرآباد	رتبه‌بندی- نجف‌آباد	رتبه‌بندی- کته میان	حسین‌آباد
احمدآباد	۶۱	۰.۰۸۶۵	۶۵.۱	۳.۱۳۹۴۸	۰.۲۷۱۴۵۰۶۵۴	۱۰۳.۵۹	۸.۹۵۶۷۷۵۵	رتبه‌بندی- احمدآباد	رتبه‌بندی- حسین آباد	رتبه‌بندی- نعیم‌آباد	رتبه‌بندی- نجف آباد	احمدآباد
مبارک‌آباد و مهرآباد	۹۹	۰.۱۵۲۳	۶۲	۵.۰۹۵۲۱	۰.۷۸۱۲۸۲۳۸۲	۶۱۲.۴۶	۹۳.۹۱۲۴۹۲	رتبه‌بندی- نجف آباد	رتبه‌بندی- نجف آباد	رتبه‌بندی- گمبکان	رتبه‌بندی- احمدآباد	نجف‌آباد

منبع: طرح ساماندهی اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستای بخش مرکزی شهرستان پاسارگاد، ۱۳۹۰

شایان ذکر است که روستاهای رکن‌آباد، نعیم‌آباد، گمبکان از روستاهای پربرخوردار و دارای مرکزیت دسترسی و دارای جمعیت قابل توجه در محدوده بخش و دهستان می‌باشند. لازم به ذکر می‌باشد که روستاهای نجف‌آباد و احمدآباد بواسطه کمبود امکانات و برخورداری‌ها و انزوای جغرافیایی و جمعیت کم جایگاه‌های آخر را بخود اختصاص داده‌اند. به طور کلی با توجه به نتایج بدست آمده از مطالعه صورت گرفته در برنامه‌ریزی‌ها توجه به این موارد جهت بهبود وضعیت این آبادی‌ها می‌تواند راهگشای خروج این آبادی‌ها از این وضعیت باشد، از آن جمله استقرار امکانات بیشتر، عملیات راهسازی، و برنامه‌ریزی جهت جذب اهالی مهاجر این آبادی‌ها و پیشگیری از مهاجرت، می‌تواند مورد توجه واقع گردد.

منابع

آر پی میسرا، ال فابو کونج (۱۳۵۳). توسعه منطقه‌ای (روش‌های نو)، ترجمه عباس مخبر، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، علیرضا استعلاجی (۱۳۸۱). بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی-ناحیه‌ای، نشریه جهاد، سال ۲۲، شماره ۲۵۰-۲۵۱ و ۲۵۲، خرداد و تیر و مرداد

پاپلی یزدی، محمد حسین و محمد امیر ابراهیمی (۱۳۸۷). نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت، جمعه پور (۱۳۸۴). محمود، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، تهران، انتشارات سمت، حکمت نیا، حسن، موسوی، میرنجف (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین، یزد،

زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۷). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد، سعیدی، عباس (۱۳۸۸). الگوهای خدمات رسانی روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، شکویی، حسین (۱۳۸۴). فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، تهران کلانتری، خلیل (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، انتشارات خوشبین، تهران، مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

مهندسین مشاور پارس نقش (۱۳۹۰). طرح ساماندهی اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی شهرستان پاسارگاد

Chambers, R. (1997). Whose reality counts? Putting the first last. International Technology Publications .

Little, D. (1990). Putting the Poor First: Alternative Development Strategies for Third-World Poverty. Conference Paper, SSRC-MacArthur Foundation Fellows in International Peace and Security, Colgate University and Center for International Affairs, Harvard University .